

هیچ مرجعی از زن افغان حمایت نمیکند!

ازدواج اجباری - تجاوز جنسی - زندان ، سنگسار یا خود سوزی ، همه نصیبه زن افغان

در حالی که از ۸ مارچ، به عنوان روز جهانی زن، در افغانستان نیز تجلیل بعمل می آید، اما خشونت علیه زنان در وحشت ناکترین شکل خود در کشور ما تجلی میکند. بطور مثال چند هفته قبل در ولایت هرات یک مرد انگلستان پای خانمش را قطع کرد. این خانم ۲۲ ساله که فاطمه نام دارد صاحب یک طفل پنج ماهه است و باشندده و لسانی انجیل ولایت هرات است. همچنان در همین ولایت دو هفته قبل شوهری گوش زن خود را بعد از زلت و کوب زیاد برید. در ولایت سرپل به یک طفل چهار و نیم ساله تجاوز صورت گرفت و چند روز بعد تر از این حادثه بریک دختر ۱۲ سال از طرف سه جوانکه یکی از آنها پسر یک وکیل و لسی جرگه است تجاوز صورت گرفت ولی بجای آنکه مجرمین مورد پیگرد قانونی قرار بگیرد، خانواده دختر گفته اند که اگر حکومت بازخواست نکند دختر را بخاطر پاک کردن لکه بدنامی خواهیم کشت.

متسفانه خشونت علیه زنان در افغانستان به یک پدیده عام مبدل شده است و کمتر مجرای قانونی برای رسیدگی به آن وجود دارد. در سال ۲۰۰۶، شرم آورترین تراژیدی خشونت علیه زنان از سوی جنگ سالاران تنظیم جمعیت ربانی در کندز بظهور پیوست و آن تبادل یک دختر یازده ساله با یک سگ جنگی بود. اگر اندک ترین غیرت و احساس مسئولیت در وجود رهبر تنظیم جمعیت ، والی ولایت کندز و حکومت افغانستان وجود میداشت، می بایستی بخاطر همین رخداد دور از کرامت و شرافت انسانی از وظایف خود استعفا میدادند و شرافتمندانه اعتراف میکردند که با وجود حضور ۳۳ هزار نیروهای تامین صلح ناتو در کشور، توان و کفایت تامین امنیت در این کشور را ندارند، تا بدین وسیله در دادگاه تاریخ سپیدروی میگردیدند.

مادر این دختر می گوید: دخترش را در روز روشن از مقابل چشمانش ربودند و هیچ کسی به "داد و فریادش" نرسیده است.

جمیله خانم ۱۶ ساله، در سن ۹ سالگی به مرد ۷۵ ساله عقد شده و در ۱۲ سالگی مادر شده است. لت و کوب و تجاوز جنسی شوهرش چاشنی زندگی روزمره اش بود. زمانیکه زندگی تحت چنین شرایطی برایش غیر قابل تحمل گردید پا به فرار گذاشت، ولی بزودی دستگیر و به زندان افتاد. در خانواده هایی که اطفال خردسال ۸-۹ ساله را مجبور به ازدواج میسازند ، این خشونتها بیشتر اند. در افغانستان ۶۰-۸۰ درصد ازدواجها اجباری اند. زنان یا به این ازدواجها جبراً تن میدهند، یا پا به فرار میگذارند و یا دلجویی مرد دیگری را ترجیح میدهند. این دو حالت اخیر مخالف با قوانین اخلاقی جامعه افغانی است. و میتواند عواقب بسیار خطرناکی را برای زنها در قبال داشته باشد.

سیما سمر رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان، معتقد است که در دهات و روستا های افغانستان بازرسی به این قضایا را مردان خانواده و جرگه ها به دست دارند و به اساس قوانین شرعی عمل مینمایند. زنان به قتل میرسند، سوختانده میشوند و یا سنگسار میگردند. یک تعداد نهایت کم این قضایا علنی میگردند.

خانم عادلہ محسنی که تحصیل یافته حقوق وکیل مدافع زنان است میگوید: " زن افغان از ابتدای تولد که بدنیا می آید ، با آه و افسوس استقبال میگردد و تا آخر عمر بدلیل اینکه زن است باید زجر بکشد و تحمل کند. زن افغان در زندگی خود حق انتخاب کردن ندارد ، حق دوست داشتن را ندارد و اگر بخواهد کسی و یا چیزی را دوست داشته باشد باید دیگران بوی اجازه دهند. زنان افغان برای زندگی خودشان حق برنامه ریزی را ندارند"

یکده دختران خورد سن از فقر، غریبی و عدم توانایی در برابر متجاوزین، مورد تجاوز جنسی قرار میگیرند. یکی از این دختران گلدسته ۱۵ ساله باشنده و لسانی بهارک ولایت تخار است. او ادعا دارد که از سوی یک پسر ارباب، مورد تجاوز جنسی قرار گرفته است.

در این شکی نیست که در پامال نمودن حقوق اجتماعی و مدنی زنان افغانستان فرهنگ سنتی جامعه و طرز برداشت این فرهنگ از شریعت، نقش مهمی دارند. ولی نکته ای که در برخورد نابرابر و ظالمانه با زنان در افغانستان نباید هرگز فراموش گردد ، مساله قدرت است. یعنی در یک جامعه سنتی مردان و بویژه اهل قدرت که دارای طرز تفکر مرد سالارانه اند، و میکوشند، از لحاظ سیاسی و قانونگذاری ، بصورت خود کار سلطه و حاکمیت بلا مانع خود را برنمی آید. جامعه کشور ثابت نگهدارند.

به هر حال، نهادهای حقوق بشر به این باور رسیده اند که حل مشکل زنان افغانستان به هیچ صورت ممکن نخواهد بود مگر اینکه سطح دانش در این کشور بالا برود. اما بالا بردن سطح دانش در افغانستان خود امریست که با وجود مساعد بودن شرایط دست کم دو نسل دیگر دوام خواهد نمود. پایان ۸ مارچ ۲۰۰۶

خود سوزی آخرین راه نجات؟

ازدواج های اجباری، سلب حقوق انسانی زن، خشونت در خانواده ها، ازدواج های مکرر و بی توجهی بحق و حقوق زن در جامعه مردسالار افغانی همه عواملی اند که زندگی را برای زن افغان غیر قابل تحمل مینماید. وقتی راه دیگری برای نجات از این همه رسوم و عنفات فرسوده و زشت باقی نماند، زنان دست به خودکشی و خود سوزی میزنند. اگرچه راه های دیگری چون خوردن زهر و یا پرت کردن از بام خانه بزیرو یا انداختن در رودخانه نیز میتواند سبب مرگ یک زن بشود، ولی زنان با آتش زدن خود میخواهند پیامی از بی عدالتی مردان در حق زنان را به گوش جامعه و مراجع قانونی برسانند.

بقول خانم شرمین چنای فلمساز فلم "افغانستان بی نقاب" «گراف خودکشی زنان افغان در دو سال گذشته دو برابر بالاتر رفته است. شفاخانه هرات گواه صدها رویداد خودسوزی دختران و زنان جوان است. پاشیدن نفت بر خود و آنگاه آتش زدن، روشنترین نماد بریدن همه امیدها شمرده میشود. البته با خوردن زهر یا خود را به رودخانه انداختن نیز میتواند به زندگی پایان دهد، ولی کسانی که خود را آتش میزنند، پیام برتر و تلختری دارند: از زندگی به تنگ آمده ایم آنچنان که نمیخواهیم خاموشانه بمیریم.» (سیاه سنگ، کابل ناتپه)

وقایع خودسوزی دختران و زنان در ولایت فراه نیز طی سال جاری به دو برابر افزایش یافته و حداقل ۳۰ تن آنان به اثر خودسوزی جان باخته اند. خودسوزی زنان به ولایت هرات و فراه منحصر نمانده بلکه به ولایت هلمند و قندهار نیز سرایت کرده و در این ولایت نیز زنان و دختران از شرایط ناگوار زندگی چنان به تنگ آمده اند که دست به خود سوزی میزنند. در سال ۲۰۰۶، بیش از بیست زن در ولایت هلمند خودکشی نموده اند که بیشتر آنها دختران بین سنین ۱۸ و ۲۰ سال هستند.

با اینکه رقم دقیق میزان خشونت ها علیه زنان در ولایات غرب و جنوب غرب بدست نیامده است اما خشونت ها علیه زنان به دلیل ادامه نا امنی ها، فقر اقتصادی و آگاهی کم از حقوق یکدیگر، سبب آسیب پذیری بیشتر زنان شده است. در ولایات شرقی اولین خودسوزی زن در داخل محکمه ولایت لغمان نیز در ماه فبروری صورت گرفت که انعکاسی جهانی ولی زودگذر داشت. این زن که برای گرفتن طلاق از شوهرش، به محکمه مراجعه کرده بود، در اعتراض به حکم قاضی مرافعه، در داخل محوطه محکمه خود را به آتش کشید.

انار کلی هنر یار معاون بخش انکشاف حقوق زنان کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان آمار خشونت ها را از اوایل سال ۲۰۰۷ تا کنون چنین بیان کرد، ۵۶۲ زن در اثر لت و کوب مورد خشونت قرار گرفته اند. ۱۲۴ زن به خود سوزی دست زده اند. ۳۱۷ زن نسبت وضعیت بد خانوادگی به مواد مخدر رو آورده اند و ۵۹ زن به قتل رسیده است.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان باور دارد که ارقام ثبت شده فوق یک رقم نهایت ناچیزی است که نمی تواند میزان واقعی خشونت علیه زنان افغان را نشان دهد. زیرا زنان نمی خواهند بخاطر ننگ های اجتماعی و ضعف دستگاه قضایی مشکلات خود را گزارش دهند. مطابق آمار وزارت زنان افغانستان یک سوم ازدواج ها در سال جاری در افغانستان اجباری بوده است و بیش از نصف دختران کمتر از ۱۶ سال داشته اند که سن قانونی ازدواج در افغانستان بحساب می آید.

زنان افغان شدیداً از موقعیت پائین اجتماعی، اقتصادی و سیاسی رنج می برند. زنان افغان در پایین ترین سطح معیار های جهانی قرار دارند: حد وسط عمر ۴۶ سال، مرگ مادران در موقع زایمان ۱۶۰۰ از هر یکصد هزار و باسوادی ۱۲.۶% در میان زنانی از ۱۵ سال به بالا می باشد. زنان و دختران بخاطر کارکردن و در گشت و گذار با مشکلات زیادی روبرو اند؛ طور مثال زنان بدون مرد همراه و یا بدون برقع نمی توانند نزد داکتر و یا به مسافرت بپردازند. آنده زنانی که در امور اجتماعی و سیاسی فعال اند با خشونت و تهدید مواجهه اند که اکثراً این تهدیدات از طریق شبنامه ها پخش می شوند. ملالی جویا، یکی از اعضای پارلمان از ولایت فراه، بعد از انتقاد از آن اعضای پارلمان که در نقض حقوق بشر در گذشته و امروز دست دارند مورد حمله فیزیکی در داخل پارلمان قرار گرفت. [واخیراً به تطبیق وظیفه در پارلمان قرار گرفته است.]

دفاع از حقوق زناني چون صنوبردختر ۱۱ ساله که از سوي قوماندانان جمعيت در کنڈز ابتدا مورد تجاوز جنسي قرارگرفت و بعد به یک سگ جنگي معاوضه شد و قتل شکيبا خانگه، نطق تلویزیون شمشاد درکابل و ذکيه ذکي گرداننده راديو آزادی درولایت پروان در اوایل جون سال ۲۰۰۷ و قتلهاي شيما رضايي، ناديه انجمن، صفيه عمه جان و دهها زن دیگر دردوسال گذشته از سوي او باشان تنظيمي نه تنها حقانيت اعتراضات ملالی جویا را علیه جنایت کاران تنظيمي و افشاي جنایات شان علیه زنان افغان درطول دهه ۹۰ قرن بیستم صحه میگذارد، بلکه عدم دستگیری قاتلان اصلي، چنان نا اميدي را در میان زنان افغان بوجود آورده است که گفته میشود: هرگز عدالت دراین کشور تحقق نخواهد یافت و متجاوزین به حقوق زنان هیچگاهی به سزاي اعمال خود نخواهند رسید و تجاوز و خشونت علیه زن افغان همچنان بقوت خود باقی خواهد ماند.

پایان